

معناشناسی واژه‌های أجر، ثواب و جزاء در قرآن کریم

وفاء الزیدی^۱

چکیده

میان جملات و کلمات آیات قرآن پیوستگی معنایی خاص و منحصر به فردی برقرار است؛ همچنین میان مفردات قرآن پیوند معنایی وجود دارد که هر واژه در ارتباط با سایر واژه‌ها، معنایی خاص می‌گیرد که فهم این معنا با روش‌های معناشناسی امکان‌پذیر است. در پژوهش حاضر با استفاده از روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، به شیوه توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از دانش معناشناسی واژگان أجر، ثواب و جزاء در قرآن کریم بررسی و تبیین شد. همچنین در این پژوهش سعی شده است انواع معانی این واژگان و کاربردهای آنان در قرآن کریم استخراج و مورد بررسی قرار گرفته شوند. نتایج بررسی‌ها نشان داد واژه «جزا» به معنای پاداش یا مجازات براساس اعمال است و به عنوان یک مفهوم حقوقی و اخلاقی به کار می‌رود. همچنین می‌توان بیان نمود که فرق کلمه اجر با معنای جزا این است که اجر فقط در مواردی است که نفعی در آن است، ولی کلمه جزاء در نفع و ضرر کاربرد دارد.

واژگان کلیدی: معناشناسی، أجر، ثواب، جزاء.

۱. مقدمه

معناشناسی اجر، ثواب، و جزا در ادبیات عرب، نه تنها جنبه فلسفی و دینی این واژگان را بررسی می‌کند، بلکه به مثابه یک تفکر فرهنگی و ادبی نیز اهمیت بسیاری دارد. در این سیاق، ادبیات

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، از کشور عراق، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

عرب به عنوان یکی از غنی‌ترین و تأثیرگذارترین میراث‌های فرهنگی جهان اسلام، دربردارنده ارزش‌ها، اخلاقیات و دیدگاه‌هایی است که معناپردازی واژگان اجر، ثواب و جزا را ایجاد می‌کند. در بررسی معناشناسی واژگان اجر، ثواب و جزا در ادبیات عرب، عمق و پیچیدگی تفکر دینی و اخلاقی در آثار ادبی ایشان جلب توجه می‌کند. در آثار ادبی عرب، به عنوان آینه‌ای که نه تنها واقعیت‌ها و تجارب فرهنگی، بلکه مفاهیم اجر و ثواب و جزا را نیز در قالب داستان‌ها، شعرها و نثرهای گوناگون، به تصویر می‌کشند. همچنین، می‌توان به تأثیر مستقیم این مفاهیم بر تشکیل شخصیت‌ها و روایات ادبی اشاره کرد. نقش اجر و ثواب به عنوان عنصر مهم در رفتار شخصیت‌ها، تداوم داستان‌ها و داستان‌نویسی‌ها را تعیین می‌کند و عمق ادبیات عرب را افزایش می‌دهد. نقش ادبیات عرب در انتقال ارزش‌های دینی و اخلاقی به نسل‌های مختلف قابل توجه است که این ارتباط نه تنها تأثیرگذاری ادبیات بر جوانب فرهنگی، بلکه بر پیچیدگی‌های مفهومی معناشناسی واژگان اجر و ثواب و جزا نیز تأثیر دارد.

معناشناسی واژگان اجر، ثواب و جزا در ادبیات عرب، در واقع پیشینه‌ای فرهنگی و دینی را باز می‌کند که در ابتدا از طریق قصه‌ها، شعرها، و داستان‌های متنوع، اصول اخلاقی و دینی را به نمایش می‌گذارد. در ادبیات عرب، غنا و تنوع زیادی در معانی و مفاهیم اجر، ثواب و جزا وجود دارد. بیشتر آثار ادبی زبان عربی بعد از اسلام، از دین اسلام الهام گرفته‌اند، اما در عین حال، تأثیرات فرهنگ‌ها و تاریخ متنوعی را در خود جای داده‌اند. این تأثیرات در زمان و مکان مختلف و با تغییر شرایط اجتماعی، به تشکیل مفاهیم متفاوتی از واژگان اجر، ثواب و جزا منجر شده‌اند. این آثار، مفاهیم اجر و ثواب را در قالب داستان‌ها و نثرها به تصویر می‌کشند و غنی‌ترین ابعاد انسانی را در مواجهه با اختیار و تصمیمات زندگی روشن می‌کنند.

در مقدمه این بحث، می‌توان به غنای ادبیات عرب، تأثیرات فرهنگی، و تبیین نقش این آثار در شکل‌دهی به درک اجتماع از مفاهیم اجر، ثواب و جزا پرداخت. این تبیین می‌تواند به نحوی عمیق‌تر به درک ارتباطات فرهنگی و معنویات دینی کمک کند و مخاطب را به عمق تفکرات ادبی و مفهومی ادبیات عرب هدایت نماید.

اهمیت و ضرورت معناشناسی واژگان «اجر، ثواب، و جزا» در ادبیات عرب قابلیت تأثیرگذاری عمیقی در درک ارزش‌ها و اخلاقیات فرهنگی این منطقه دارد و روح و جان ادبیات عرب محسوب می‌شود که از اهمیت بالایی در شناخت اعتقادات و تفکرات انسانی در جوامع اسلامی برخوردار است. از جمله مواردی که می‌توان در اهمیت و ضرورت معناشناسی واژگان «اجر، ثواب و جزا» در ادبیات عرب برشمرد عبارتند از: انتقال ارزش‌های دینی و اخلاقی، تأثیر بر شکل‌دهی هویت فرهنگی، تشویق به اعمال خیر و اخلاقی، نمایش چالش‌ها و امتحانات انسانی و ارتباط با زندگی روزمره. با توجه به این نکات، معناشناسی واژگان «اجر، ثواب و جزا» در ادبیات عرب به عنوان یک راهبرد اساسی و اثرگذار در افزایش درک انسان از ارزش‌ها و اخلاقیات فرهنگی، می‌تواند به حفظ و ارتقاء سطح معنوی و اخلاقی جامعه‌ها کمک کند.

درباره معناشناسی واژگان قرآن، پایان‌نامه‌ها و مقالات مختلفی نوشته شده است. برای مثال: در مقاله «پیوند آوایی واژگان روح - ریح و ریحان از منظر اشتقاق» از همت بیگی (۱۳۹۲)، واژه روح با مشتقاتش و تحول معنایی این واژه بررسی شده است. در مقاله «معناشناسی اسماء الحسنی» نوشته صادق آیین‌وند (۱۳۷۹)، که در مقاله روابط معنایی اسماء بررسی شده است. همچنین در مقاله «معناشناسی واژه ولی در قرآن»، نوشته نورسیده و فراهانی (۱۳۹۲)، توصیف و تحلیل معنایی واژه «ولی» در قرآن کریم آورده شده، وجوه معنایی آن استخراج شده است. در مقاله «معناشناسی واژه احسان در قرآن کریم» به قلم فخار نوغانی (۱۳۹۳) واژه «احسان» و مصادیق آن با توجه به روح حاکم بر آیات الهی که خدامحوری و توحید است، مورد بررسی قرار گرفته است.

از دیگر پژوهش‌ها می‌توان به مقاله «مفهوم‌شناسی واژه فسق و حوزه معنایی آن در قرآن کریم» نوشته نور محمدی (۱۳۹۵) نام برد که در آن واژه فسق با این روش مورد بررسی قرار گرفته و پس از تبیین مفهوم و ماهیت فسق در لغت، اصطلاح و آرای مفسران، کاربردهای قرآنی آن نیز بررسی شده است. همچنین در پایان‌نامه العلاقات الدلالية بين الفاظ الطبيعة في القرآن الكريم، روابطی چون تماثل، تناظر، تقابل، تعدد معنایی و علاقه رمزی، صغیر و کبیر، ابهام و بیان و اجمال

و تفصیل را در الفاظ طبیعت بررسی شده است که عبارتند از: «رواسی، جبل، عین، ینبوع، ماء، غیث، کوکب، سحب، مزن، عارض، غمام، بحر، بر، سماء، أرض، نهار، لیل، نجم و شجر» که همه الفاظ مربوط به طبیعت را در بر نمی‌گیرد. باتوجه به مطالعات فراوان درباره دانش معناشناسی و به‌ویژه معناشناسی واژه‌های مختلف قرآن کریم و حتی تعدد معنایی الفاظ طبیعت در قرآن کریم، تاکنون درباره معناشناسی توصیفی تاریخی واژگان اجر و جزاء در قرآن کریم پژوهشی صورت نگرفته است و به این دلیل پژوهشی نو محسوب می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

علم مفردات: واژه‌شناسی یا علم مفردات دانشی است که از تک‌واژه‌های قرآنی از نظر ریشه، اشتقاق لغوی، دلالت بر معنای مطلوب، مناسبات و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می‌کند. (همایی، ۱۳۹۰)

معناشناسی: دانشی است که معنا را بررسی می‌کند. معناشناسی، نقطه برخورد انواع اندیشه و روش‌هایی همچون فلسفه، روان‌شناسی و زبان‌شناسی است؛ هرچند رویکرد هریک به سبب اختلاف نقطه شروع، متفاوت است. (مختار عمر، ۱۳۸۵) معناشناسی درحقیقت مطالعه محتوای زبان است و هدف معناشناسی شناخت امکانات انتقال و عوامل بازدارنده ارتباط معنا میان کسانی است که با هم سخن می‌گویند (فضیلت، ۱۳۸۵). یکی از اهداف معناشناسی، روشمندکردن مطالعه و بررسی متون و کلام است؛ یعنی معناشناسی در پی معرفی راه‌هایی است که با آن هر نوع متن یا سخن، اعم از کلامی یا غیرکلامی را مطالعه و بررسی کند (شعیری، ۱۳۸۸).

۳. بررسی مفهوم واژه اجر در کتب لغت و اصطلاح

واژه «اجر» از کهن‌ترین ریشه‌های ثلاثی است که ریشه آن از حروف «أ ج ر» ساخته شده و ۱۰۸ بار در ۹۹ آیه از قرآن کریم به کار رفته است.

مفهوم واژه «اجر» در کتب لغت و در اصطلاح حوزه ادبیات عربی، به مثابه یک مفهوم چندلایه و پراکیرد بررسی شده است. این واژه در ادبیات عربی از اهمیت بسیاری برخوردار است و به

شکل‌ها و معانی مختلفی در کتب لغت و اصطلاح توضیح داده شده است. در زیر به برخی از معانی و کاربردهای اصطلاحی و ادبی این واژه در کتب لغت و اصطلاح عربی اشاره می‌شود.

۳-۱. اجر به معنی پاداش الهی و آثار اعمال

در کتب لغت، اجر به عنوان پاداش الهی براساس اعمال انسان تعریف شده و به جایزه‌ها و ثواب‌هایی اشاره دارد که براساس انجام اعمال خیر و اخلاقی به انسان تعلق می‌گیرد. راغب در این باره می‌نویسد: «اجر و اجرت، ثواب دنیوی یا اخروی است که به فرد باز می‌گردد، همانند کلام الهی که می‌فرماید: "... إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ...؛ مزد من، تنها برخداست" (یونس: ۷۲)؛ "... و آتیناه أجره فی الدنيا...؛ ... و پاداش او را در دنیا دادیم..." (عنکبوت: ۲۷)؛ "و لأَجْرِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا...؛ پاداش آخرت برای کسانی که ایمان آوردند بهتر است..." (یوسف: ۵۷). و فرق کلمه اجر در معنای پاداش از نظر کاربردی با معنای جزا این است که اجر فقط در مواردی است که نفعی عاید فرد شود، مثل "... لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...؛ ... برای آنها، پاداش آنها نزد پروردگارشان است..." (آل عمران: ۱۹۹) و "... فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ...؛ ... پاداش او با خداست..." (شورا: ۴۰)، ولی کلمه جزاء در هر يك از موارد نفع و ضرر کاربرد دارد، همانند آیه "و جزاهم بما صبروا جنة و حریرا؛ و در برابر صبرشان بهشت، و لباس‌های حریر بهشتی را به آنها پاداش می‌دهد" (انسان: ۱۲). (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱/۴)

۳-۲. اجر به معنی تعیین قیمت و مقدار

در اصطلاح عربی، «اجر» به معنای تعیین قیمت و مقدار مورد استفاده قرار گرفته است. این مفهوم معمولاً در ارتباط با مزیت‌ها و پاداش‌هایی است که بر اثر اعمال به انسان تعلق می‌گیرد. مثل آیه «إِنْ أَبَى يُدْعَوُكَ لِجِزْيِكَ أَجْرُ مَا سَقَيْتَ لَنَا؛ پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد آب دادن گوسفندان را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد» (قصص: ۲۵). مرحوم طبرسی در معنای آیه «... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا...؛ ... بگو در برابر این (رسالت) پاداشی از شما نمی‌طلبم...» (انعام: ۹۰) می‌نویسد: «ای لا اطلب منکم علی تبلیغ الوحی و اداء الرسالة جعلاً؛ یعنی من از شما در

مقابل تبلیغ وحی الهی و انجام رسالت مزدی نمی‌خواهم. در آیه ۷۷ سوره کهف نیز اجر به همین معناست «... فوجدا فیها جدا را یرید أن ینقض فأقامه قال لو شئت لاتخذت علیه أجرا؛ ... پس در آن شهر، دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد، پس آن را به‌گونه‌ای استوار کرد که فرو نریزد. موسی گفت: اگر می‌خواستی برای تعمیر آن دیوار، مزدی می‌گرفتی...». سیاق آیه گواهی می‌دهد که موسی و خضر گرسنه بودند و موسی به او یادآور شد: «اگر اجرتی بر کار خویش می‌گرفتی برای ما این امکان فراهم می‌شد که با آن گرسنگی خویش را برطرف کنیم». همین معنا نیز در کشف و مجمع البیان ذکر شده است.

بعضی از مفسران معنای نفقه و مزد رضاع و شیر دادن را به عنوان معنای مستقل و یکی از وجوه آورده‌اند و نمونه آن را این کلام الهی ذکر کرده‌اند که فرموده است: «... فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ...؛ اگر برای شما فرزند را شیر می‌دهند، پاداش آنها را بپردازید» (طلاق: ۶)، ولی می‌توان گفت این همان اجرت و مزد کار است؛ زیرا شیر دادن همانند سیراب کردن گوسفندان شعیب در آیه ۲۵ سوره قصص و اصلاح دیوار در داستان خضر و موسی است که در معنای سوم، آن ذکر شد.

۳-۳. اجر به معنای معنویت و ارتباط با زندگی پس از مرگ

در ادبیات عرب، اجر به معنای معنویت و پاداش در زندگی پس از مرگ نیز تبیین شده است. این مفهوم به ارتباط بین عملکرد اخلاقی در دنیای زندگی و آثار آن در آخرت اشاره دارد: «تحتیهم یوم یلقونه سلم أعد لهم أجرا کریم؛ تحیت آنان در روزی که او را دیدار می‌کنند، سلام است و برای آنها پاداش پر ارزشی فراهم ساخته است» (احزاب: ۴۴). (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۴) همچنین آیه ۳۰ سوره کهف از این نمونه است: «إِنَّا لَأنْضِیعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا». اینها نمونه‌هایی از آیاتی است که هدایت و ضلالت انسان‌ها را مربوط به خود آنها دانسته و زندگی و مرگ را صحنه و میدان آزمایش آنها معرفی نموده است تا هر کس بخواهد ایمان آورد و هر کس نخواهد به اختیار خویش کافر شود (آراسته، بی‌تا، ۱۳/۱).

در این آیات، به ظاهر انسان‌ها نقشی در هدایت و ضلالت خود ندارند و این خداوند است که به مشیت خود، آنها را هدایت و یا گمراه می‌کند؛ توفیق و عنایت الهی برای کسانی است که مستعد دریافت فیض و رحمت خداوند هستند، و نیز خذلان و حرمان برای آنان است که از یاد خدا اعراض نموده‌اند.

۳-۴. معنای فرهنگی و اجتماعی اجر

در برخی کتب لغت عربی، اجر به معنای پاداش‌ها و نیکوکاری‌هایی در جوامع انسانی ارتباط داده شده و به معنای مفهوم فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است: «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ؛ آنها می‌گویند: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم؛ چه نیکوست پاداش عمل‌کنندگان!» (زمر: ۷۴). از آنجا که مأموریت اصلی پیامبران از جمله پیامبرگرامی ﷺ بیان مکارم اخلاق و تعلیم و تزکیه نفوس بشری است، برای رسیدن به این مقصود، روش‌هایی را در پیش گرفته است که از آن به روش‌های تربیتی پیامبران یاد می‌شود و در قرآن، این روش‌ها گزارش و تحلیل شده و مصادیق عینی از آنها تبیین شده است. از جمله این روش‌های تربیتی که در قرآن مورد توجه قرار گرفته است وعده پاداش می‌باشد که یکی از روش‌های تربیتی است که خداوند به پیامبران برای تربیت انسان‌ها آموخته است. با نگاهی گذرا به آیات قرآن می‌توان دریافت که این روش پیشینه‌ای کهن دارد؛ چراکه با آفرینش انسان، از این شیوه برای تربیت حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام بهره‌گرفته شده است.

۴. بررسی مفهوم واژه ثواب در کتب لغت و در اصطلاح

واژه «ثواب» از ریشه «ث و ب» به معنی بازگشت به حالت قبلی است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۸/۲۴۶)؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱/۱۲۲) این واژه سیزده بار در قرآن کریم به کار رفته است و در زبان فارسی می‌توان آن را معادل پاداش نیک در نظر گرفت. معنای اصطلاحی آن، بازگشت نتیجه افعال خیر



به صاحب فعل است که از طرف خداوند به اعمال صالح مؤمنان تعلق می‌گیرد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۸۳/۱)

واژه «ثواب» در ادبیات عربی مرتبط با مفاهیم دینی و اخلاقی است و در قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام ﷺ، بدین معنا استفاده می‌شود. در این مفاهیم، ثواب به معنی پاداشی از سوی خداوند برای انجام اعمال نیکوکارانه و اطاعت از دین و وعده‌ای از آخرت است. در قرآن، اشاره به مفهوم ثواب در موارد مختلفی صورت گرفته است. در آیات قرآن تأکید شده است که اعمال نیکوکارانه و تقوا به ثوابی در دنیا و آخرت منجر می‌شود.

۴-۱. ثواب به معنی پاداش الهی

ثواب، پاداشی الهی است که از سوی خداوند به افرادی که اعمال شریف و خیرانه انجام داده‌اند، تعلق می‌گیرد: «اولئك لهم جنت عدن تجري من تحتهم الأنهار يحلون فيها من أساور من ذهب ويلبسون ثيابا خضرا من سندس وإستبرق متكئين فيها على الأرائك نعم الثواب وحسنت مرتفقا؛ آنها کسانی هستند که بهشت جاودان برای آنان است؛ باغ‌هایی از بهشت که نهرها از زیر درختان و قصرهایش جاری است؛ در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند؛ و لباس‌هایی (فاخر) به رنگ سبز، از حریر نازک و ضخیم، دربر می‌کنند؛ درحالی که بر تخت‌ها تکیه کرده‌اند چه پاداش خوبی، و چه جمع نیکویی». (کهف: ۳۱)

۴-۲. ثواب به معنی پاداش آخرت

واژه «ثواب» اغلب به معنای پاداش در آخرت به کار می‌رود و مؤمنان را به انجام اعمال نیکوکارانه تشویق می‌کند تا برای زندگی اخروی خود تلاش کنند. در آیه ۱۴۸ سوره آل عمران از این مفهوم استفاده شده است: «فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَ ثَوَابَ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ از این رو، خداوند پاداش این جهان و پاداش نیک آن جهان را به آنها داد و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» (آل عمران: ۱۴۸). به نظر علامه طباطبایی: «وصف ثواب آخرت به «حسن» بدون آوردن چنین وصفی برای ثواب دنیا، از ارزش ثواب آخرت در مقایسه با بهره‌های دنیایی خبر می‌دهد.

با این همه، بین ثواب دنیا و آخرت هیچ گونه تنافی وجود ندارد، بلکه کسانی که صرفاً در پی ثواب دنیایند از ثواب آخرت بی بهره‌اند، ولی کسانی که در پی ثواب آخرت‌اند از هر دو ثواب (دنیوی و اخروی) بهره‌مند خواهند شد» (طباطبایی، بی تا، ۴۱/۱۵).

در کل، مفهوم ثواب در ادبیات عربی به معنای پاداش الهی برای اعمال نیکوکارانه و تقوا در دنیا و آخرت است و از اهمیت بسزایی در تشویق به اخلاقیات و اعمال صالحانه برخوردار است.

۵. بررسی مفهوم واژه جزاء در کتب لغت و در اصطلاح

واژه «جزاء» در زبان عربی به معنای پاداش یا مجازات از ریشه «ج ز ی» است و ۱۱۷ بار در قرآن به کار رفته است. این واژه در ادبیات عربی و دین اسلام به مفهوم اجتناب از اعمال ناپسند و انجام اعمال نیکوکارانه است. این واژه در قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک مفهوم اصولی و اخلاقی است.

۵-۱. معنای حقوقی جزاء

در ادبیات حقوقی عربی، «جزاء» به عنوان پاداش یا مجازاتی اشاره دارد که براساس اعمال و رفتارهای فرد تعیین می‌شود. این مفهوم نشان‌دهنده تطابق حقوقی و اخلاقی اعمال افراد با قوانین و اصول دینی و حقوقی است که در آیات زیر به خوبی این مفهوم قابل مشاهده است: «إن هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکوراً؛ این برای شما جزایی است و تلاشتان سپاسگزاری شده است» (انسان: ۲۲)؛ «و من یقل منهم إنی إله من دونه فذلك نجزیه جهنم کذلک نجزی الظالمین؛ هر یک از آنان بگوید: من معبودی جز خدا هستم، او را جزای جهنم خواهیم داد؛ این گونه ستمگران را مجازات می‌کنیم» (انبیا: ۲۹).

۵-۲. مفهوم دینی جزاء

در اسلام، جزا به عنوان وعده‌ای از سوی خداوند برای اعمال نیکوکارانه و انجام وظایف دینی و اخلاقی مطرح می‌شود. به موجب این مفهوم، از سوی خداوند وعده‌ای برای پاداش یا مجازات براساس اعمال افراد در دنیا و آخرت داده شده است: «من عمل سیئة فلا یجزی إلا مثلها ومن

عمل صلحا من ذکر أو أنثی وهو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير حساب؛ هر کس بدی کند، جز بمانند آن کیفر داده نمی‌شود؛ ولی هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد خواه مرد یا زن، درحالی که مؤمن باشد آنها وارد بهشت می‌شوند و در آن روزی بی حسابی به آنها داده خواهد شد» (غافر: ۴۰).

کسی که کار زشت انجام دهد مجازات نمی‌شود مگر به مقداری که مستحق و سزاوار عقاب است نه زیاده‌تر از آن، و کسی که عمل صالح کند از مرد یا زن درحالی که او مؤمن باشد، تصدیق کند خداوند و پیامبرانش را (که ایمان، شرط قبولی عمل صالح می‌باشد). روزی داده شوند زیاده‌تر از آنچه مستحق هستند و این از باب تفضل خداوند است؛ زیرا اگر فقط به اندازه عمل و کردارشان پاداش داده شوند مسلماً با حساب خواهد بود». (طبرسی، ۱۳۵۰، ۲۷۰/۱)

۵-۳. جزاء به معنی تشویق به اخلاقیات

مفهوم جزا در ادبیات عربی به معنی تشویق به اجتناب از اعمال ناپسند و انجام اعمال نیکوکارانه است؛ این مفهوم به افراد انگیزه می‌دهد که به عواقب اعمالشان را براساس اخلاقیات و اصول دینی توجه کنند. در آیاتی از قرآن کریم، سزای کار بد، دقیقاً به اندازه همان کار بد دانسته شده و پاداش کار خوب، با عنایت به فضل خداوند، بهتر و بیش از آن کار ذکر شده است: «... لیجزیهم الله أحسن ما عملوا ویزیدهم من فضله والله یرزق من یشاء بغير حساب؛ (آنها به سراغ این کارها می‌روند) تا خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند، پاداش دهد و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید؛ و خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد (و از مواهب بی‌انتهای خویش بهره‌مند می‌سازد)» (نور: ۳۸) به تعبیر علامه طباطبایی، خداوند بنا بر فضل خود، نقص اعمال نیکوکاران و صالحان را رفع می‌کند و معادل بهترین عمل به آنان پاداش می‌دهد. (طباطبایی، بی‌تا، ۱۲۹/۱۵).

به طور کلی، مفهوم جزا در ادبیات عربی و دین اسلام به عنوان یک سیستم پاداش و مجازات براساس اعمال فرد تلقی می شود که اهمیت زیادی در تربیت اخلاقی و مسیر انسان ها به سوی اعمال نیکوکارانه دارد.

۶. نتیجه گیری

براساس پژوهشی که صورت گرفت نتایج به دست آمده به شرح زیر است:

- راغب در مفردات تصریح می کند که واژه «أجر» فقط برای بیان مزد عمل خوب به کار می رود؛ برخلاف واژه «جزاء» که هم در عمل خوب و هم در عمل بد استعمال می شود. ناگفته نماند در تمام آیات قرآن کریم، اجر در مقابل عمل نیک استعمال شده است حتی در آیه ۴۱ سوره مبارکه شعراء؛ زیرا در این آیه نیز ساحران در آن زمان، عمل خویش را عمل خوبی می دانستند.
- در ادبیات عربی و اسلامی، مفهوم ثواب نقش مهمی در تشویق افراد به انجام اعمال نیک و دوری از گناهان دارد. این مفهوم به مؤمنان انگیزه ای دینی می دهد که با انجام اعمال صالح، زندگی دینی و معنوی خود را تقویت کنند و به پاداش الهی دست یابند.
- واژه جزا نیز در زبان عربی به معنای پاداش یا مجازات براساس اعمال و رفتارها اشاره دارد. این واژه در ادبیات عربی به عنوان یک مفهوم حقوقی و اخلاقی به کار می رود و معمولاً به پاداش یا مجازاتی اشاره دارد که براساس عملکرد و رفتار فرد تعیین می شود. واژه جزا و مشتقات آن، هم در بیان پاداش کار نیک به کار رفته و هم در کیفر کار بد استعمال شده است.
- همچنین می توان بیان نمود که فرق کلمه اجر در معنای پاداش با معنای جزا از نظر کاربردی این است که اجر فقط در مواردی است که نفعی عاید فرد شود، ولی کلمه جزاء در هر يك از موارد نفع و ضرر کاربرد دارد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳) مترجم: مکارم شیرازی، ناصر، قم: دارالقرآن الکریم.
۱. ابن منظور الأنصاری، محمد بن مکرابن علی (۱۴۱۴ ه.ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۲. آراسته، حسین جواد (بی تا). درسنامه علوم قرآنی. قم: انتشارات بوستان کتاب.
۳. آیین‌وند، صادق، و نیازی، صادق (۱۳۷۹). معناشناسی اسماء الحسنی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، (۲)، ۱-۱۸.
۴. بیگی، همت (۱۳۹۲). پیوند آوایی معنایی واژگان «روح، ریح و ریحان» از منظر اشتقاق. ویژه‌نامه زبان عربی، (۸۸)، ۳۲-۳۵.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق). مفردات ألفاظ القرآن. محقق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیه.
۶. شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸). مبانی معناشناسی. تهران: سمت.
۷. طباطبائی، محمدحسین (بی تا). حاشیه الکفایه. قم: بنیاد علمی و فکری استاد علامه سید محمدحسین طباطبائی.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۰). مجمع البیان. تهران: فراهانی.
۹. فخارنوغانی، وحیده (۱۳۹۳). معناشناسی واژه احسان در قرآن کریم. فصلنامه پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، (۱۳)، ۲۱-۳۲.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد بن عمرو بن تمیم (۱۴۰۹ ه.ق). العین. محقق: المخزومی، مهدی، و السامرائی، إبراهیم. قم: دارومکتبه الهلال.
۱۱. فضیلت، محمود (۱۳۸۵). معناشناسی و معانی در زبان و ادبیات. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
۱۲. مختار عمر، احمد (۱۳۸۵). معناشناسی. مترجم: سیدی، حسین. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۱۳. نورسیده، علی اکبر. فیض الله زاده، عبد علی، و ماستری فراهانی، جواد (۱۳۹۲). معناشناسی چند معنایی واژه «ولی». پژوهشنامه نقد ادب عربی، ۴ (۱)، ۱۵۱-۱۶۸.
۱۴. نورمحمدی، احد (۱۳۹۵). مفهوم شناسی واژه فسق و حوزه معنایی آن در قرآن کریم. نشریه احسن الحديث، (۱)، ۲۷-۳۴.
۱۵. همایی، غلامعلی (۱۳۹۰). مفردات قرآن مجید. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.